



مظفر محمدی

روز جهانی کارگر

۱۱ اردیبهشت ۹۵ در ایران چه گذشت؟

روز شنبه ۱۱ اردیبهشت مراسم گرامیداشت روز جهانی کارگر در ایران برگزار شد. با وجود فشار و تهدید نیروهای امنیتی که هر ساله بر تشکلهای مستقل و فعالین کارگری وارد می گردد، بخش هایی از کارگران ایران و تشکل ها و محافل کارگری، روز همبستگی طبقاتی و جهانی کارگران را گرامی داشتند. امسال هم طبق معمول، خانه کارگر با کسب اجازه از دولت خود، برگزاری مراسم در تهران و شهرستان ها را اعلام کرد.

تهران

مراسم خانه کارگر در تهران، اساسا با اعلام حمایت و پشتیبانی از دولت و سیاستهای و چاشنی چند مطالبه ی صنفی برگزار شد. حسن صادقی، رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری و علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر سخنرانان مراسم خانه کارگر بودند. محبوب ضمن هشدارهایی در باره وضعیت نابسامان طبقه کارگر، بر سیاستهای بورژوازی برای حل بحران اقتصادی و معیشت مردم تاکید کرد.

صفحه ۳

اول مه جشن

کارگران

پیام

در سال ۱۸۸۶ میلادی یعنی ۱۳۰ سال پیش صدها هزار کارگر اعتصابی در کشور امریکا قانون ۸ ساعت کار در هفته بجای ۱۰ و ۱۲ ساعت را به سرمایه داران تحمیل کردند. این پیروزی با خون ده ها کارگر کشته و اعدام شده در شهر شیکاگو ی امریکا امضا شد. از آن زمان تا حالا اول مه، روز جهانی کارگران و نماد و سمبل اتحاد طبقاتی کارگران نه در یک کشور بلکه در سرتاسر جهان است. از آن زمان تا حالا طبقه کارگر در سراسر جهان این روز را گرامی می دارند و جشن کارگری برگزار می کنند. آری فقط یک روز در سال.

اگر سرمایه داران هر روز سال شان جشن و شادی و سرشار از نعمت و ثروت و رفاه و خودنمایی و غرور و فخرفروشی است، اما برای کارگر، تنها یک روز جشن و یک روز ابراز وجود و خودنمای بعنوان انسان برابر وجود دارد و آن هم کفر است یا جرم است. اگر کارگر و خانواده اش سالی یک بار لباس های کهنه اش را اطو و رفو کند و به خیابان بیاید و جشن بگیرد برای سرمایه دار کسر شان است و احساس خطر می کند. چرا که کارگر از نظر سرمایه دار، فقیر و محتاج، مستضعف و بدبخت و بیچاره است. کارگر به لطف و مرحمت سرمایه دار کار می گیرد و زندگی می کند. سرمایه داران آفرینندگان کار و کارگران صفحه ۲

International Workers' Day

1. May

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

WE STILL NEED TO CHANGE THE WORLD !

در صفحات دیگر میخوانید :

- بیانیه ۵ مجموعه کارگری به مناسبت اول ماه مه صفحه ۲
- بیانیه انجمن کارگری ساختمانی کارگری مریوان و سروآباد صفحه ۷
- اول ماه مه و روز معلم (آزادی رسول بدایق) صفحه ۴
- قطعنامه روز جهانی کارگری تشکلهای کارگری صفحه ۸
- بیانیه شرکت هفت تپه در دفاع از عظیم زاده و عبدی صفحه ۹
- تراژدی هی مارکت (خاطرات مادرجویی) صفحه ۱۰
- چرا نباید در مراسم خانه کارگر شرکت

آزادی برابری حکومت کارگری

اول مه جشن کارگران ...

کارپذیران هستند. همه ما باید شکر گزار باشیم که سرمایه داران محترم و دلسوز مدام زحمت و سختی کارآفرینی می کشند و دو دستی تحویل ما می دهند. انهم تحویل بخشی از ما. بخش دیگر ما باید بیرون کارخانه ی این عزیزان کارآفرین بنشینند و طعم شیرین بیکاری را بچشند تا روزی که جنازه یکی مان را از کارخانه بیرون انداختند بیکار منتظری را جایمان بنشانند. و البته ارزان تر و با مزد کم تر.

می دانید ترس سرمایه داران از اول مه برای چیست؟ برای این است که مبدا این حرف ها را در گوش همدیگر بخوانیم و یا روی کاغذ بنویسم و یا کسی روی چهارپایه ای برود و این حرفها را بزند. مبدا ما کارگران به همدیگر بگوییم مزدی که میگیریم یک سوم مخارج خانواده مان نیست. بگوییم کار با قرار داد سفید برای هیچ کارگری امنیت شغلی باقی نگذاشته. بگوییم شاغلان از بیم اخراج یک روز هم آب خوشی از گلویمان پایین نمی رود. بگوییم اعتیاد و تن فروشی داروی درد بی درمان خانواده های کارگران بیکارمان است. بگوییم گرانی و مخارج سنگین زندگی کمرمان را شکسته است. بگوییم حتی دستمزدهای کاری را که کرده ایم را آخر هفته یا ماه به ما نمی دهند.

بگوییم آخر بی انصاف ها، بی وجدان ها، چرخ ها جامعه روی شانه های ما می چرخد. دستهای ما لای چرخ های ماشین له می شود، ما از ارتفاعات بلند آبار تمانهایی که برایتان می سازیم پایین می افتیم و کمرمان می شکند، ما نان تان را می پزیم. کفش و لباسان را می دوزیم. ما طلا و الماس و نفت را از زیر زمین بیرون می کشیم و شما این حاصل رنج و ثروت جامعه ما را فقط می فروشید. ما زباله هایان را جمع می کنیم. ما می سازیم و شما همان ساخته های خودمان به نام مواد خوراکی و پوشاک و مسکن

به ما می فروشید و یا اجاره می دهید و ذلیل و بدبخت و افسرده و التماس گو و محتاج دستمزدی را که با ما داده اید اینجوری پس می گیرید.

این شد سهم ما از نعماتی که خود ما بوجود می آوریم؟ پس شرف و وجدان و انسانیت چه شد؟! می گویند وجدان و شرف و انسانیت طبقاتی است. راست می گویند. سرمایه داران بدشانسی آورده اند که ما کارگران سر دو پا راه می رویم و گر نه هیچ شباهتی با هم نداریم. هیچ چیز و هیچ منفعت مشترکی با هم نداریم. ثروت سرمایه دار بدون فقر ما مدام روی هم انبار نمی شود.

برگردیم به اول مه. حالا که اوضاع از این قرار است. حد اقل بگذارید اول مه روز جشن ما کارگران باشد. فقط همین یک روز را داریم که دور هم جمع شویم. زن و مرد و بچه های خانواده های کارگرمیان دست همدیگر را بگیریم و بزنیم بیرون. در خیابان ها و پارک های شهر جمع شویم و شیرینی جیب هایمان را با هم شریک شویم و همه با هم از بچه و بزرگ و کوچک و بازنشسته و حتی معلولهایمان روی چرخ بگردیم و جشن بگیریم.

می گویند در بعضی جاها کارگرا هر روز کرور در خیابان ها راهپیمایی می کنند و ساز و دهل و سرنا می زنند و می رقصند و آواز می خوانند و سخنرانی می کنند.

چرا ما نتوانیم در پارک شهر و پارک های اطراف شهر با ساز و دهل محلی مان بزنیم و برقصیم.

اول مه روز جشن کارگری است در سرتاسر جهان. روزی است که سرمایه داران می سوزند از اینکه برده هایشان با هم متحد و دوست می شوند، می سوزند خنده و شادی و جشن ما را ببینند. انها از خوشبختی ما ولو برای چند ساعت هم باشد پریشان حال می شوند. آنها کارگر را

اول مه بیاییم چهره واقعی خود را نشان دهیم. چهره یک انسان کارکن، تولید کننده، سازنده، صاحب واقعی جامعه. این تصویر واقعی هر کارگری است که هر صبح که از خواب بیدار می شود می تواند آن را در آینه کوچک خانه ببیند. در پشت ماشین کار و تنور داغ خبازی و روی داریست ساختمانهای بلند ببیند.

بیاییم ۱۱ اردیبهشت روز کارگر، همگی ما کارگران و خانواده هایمان استوار، شرافتمند و با سر افراشته و مغرور دسته دسته از محلات و خیابان ها به طرف پارک ها و محل های تفریحی روان شویم و جشن طبقاتی و کارگرمیان را برگزار کنیم. ما به خود می بالیم که جامعه بدون کار ما می میرد. و در مقابل، سرمایه داران به طمع سود هر چه بیشتر سرمایه هایشان از جان و مال و نیروی بازو و کار کسی طمع کرده که خورش را بمکد و بعد از مدتی زخمی و مریض و کتک خورده و خرد شده بیرونش بیاندازد.

اول مه روز افتخار و سربلندی طبقه کارگر جهان است. روزی که طبقه کارگر با صدای بلند به بشریت می گوید: دنیا همیشه بر این پاشنه که هست نمی چرخد. روزی می رسد که صاحبان واقعی جامعه کارگران و تولید کنندگان نعمات است. نه هیچ کس دیگر.

اول مه، جشن طبقاتی و روز جهانی کارگران مبارک باد

پیام - اردیبهشت ۹۵

پیام ۵ مجموعه کارگری بمناسبت اول ماه مه

ما جمعی از کارگران کارخانه ها و واحدهای تولیدی استان لرستان. اول ماه مه روز جهانی همبستگی کارگران جهان، روز اعتراض علیه تمامی ستمها و ظلمهایی که بر ما تحمیل شده است را گرامی می داریم. امسال در شرایطی به استقبال این روز می رویم که فقر و گرسنگی و بیکاری و مشکلات ایجاد شده از طرف ایادی و سرمایه داران حکومتی، برای کسب سود بیشترشان کمر ما را زیر بار مشکلات خم نموده و نان را از سفره هایمان ربوده و محرومیت را برایمان به ارمغان آورده اند. تعیین حقوق هشتصد هزار تومانی برای سال جاری ستمی مضاعف بر ما تحمیل می نماید. و این به معنای تحمیل فقر افزون تر بر ما و خانواده هایمان است. ما امروز هم صدا و هم گام با سایر کارگران خواستار تعیین دستمزد عادلانه و در خور توجه با توجه به تورم موجود در اقتصاد کشور بوده و بر زندگی بهتر اصرار داریم. از طرفی تعدیل نیروی کار و تعطیلی برخی از واحدهای صنعتی و تولیدی موجب بیکار شدن عده دیگری از کارگران گردیده است. ما کارگران حمایت خود را از کارگران معترضی که برای حقوق عادلانه و قانونی خود اعتراض نموده و دستگیر و زندانی شده اند اعلام نموده و خواستار آزادی بی قید و شرط همکارانمان هستیم.

بخچال سازی خرم آباد، کارگران اخراجی پارسیلوم خرم آباد، سامان کاشی بروجرد، جمعی از کارگران صنایع کوچک خرم آباد، و کارگران ساختمانی خرم آباد.

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی همبستگی کارگران

آزادی برابری حکومت کارگری

همچنین قطعنامه پایانی مراسم خانه کارگر تهران در واقع ادعای خانه کارگر علیه طبقه کارگر و در حمایت از علی خامنه ای و اقتصاد مقاومتی و دیگر سیاستهای دولت روحانی بود. قطعنامه خانه کارگر وعده داده است که وظیفه ی جلب پشتیبانی کارگران از دولت را ادامه خواهد داد! با وجود اینها و همانطور که انتظار می رفت مراسم امسال خانه کارگر رونقی نداشت و از هیاهوهای گذشته چون بیعت با قبر امام و سخنرانی روحانی در اول ماه و ... ، خبری نبود. خانه کارگر در شهرهای دیگر ایران هم قادر به بسیج کارگران و برگزاری مراسم نشد.

کرج

برگزاری گل گشت خانوادگی کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر در کرج علیرغم تهدید و تلاش ستاد خبری (اطلاعات)، گل گشت خانواده های کارگری در اطراف کرج توسط تعدادی از کارگران و خانواده هایشان برگزار شد. در این مراسم ابتدا تاریخچه ای از روز جهانی کارگر توسط یکی از کارگران خوانده شد. سپس علیه تمرکز ثروت در دست اقلیتی سرمایه دار مفتخوردن سرتاسر جهان و شرایط زندگی اسف بار خانواده های کارگری بحث و گفتگو شد. مراسم با خواندن سرود و ترانه در فضای رفاقت کارگری ادامه یافت. در این مراسم حدود 100 نفر حضور داشتند.

تشکل های کارگری و اول ماه

اول ماه امسال، تشکلهای مستقل کارگری واکنش های متفاوتی نسبت حضور در راهپیمایی خانه کارگر داشتند. سندیکای کارگران شرکت واحد تهران، پیش از ۱۱ اردیبهشت، بیانیه یا فراخوانی رسمی در رابطه با حضور خود در مراسم راهپیمایی خانه کارگر صادر نکرده بود. اما این سندیکا روز 11 اردیبهشت در سایت خود اعلام کرد که اعضای سندیکا در مراسم روز جهانی کارگر با شعارهای مستقل خود شرکت می کنند. بهنگام حضور کارگران سندیکا در جمع راهپیمایان مراسم خانه کارگر، ماموران پلیس امنیت با یورش به آنها، پلاکادهایشان را گرفته و دو تن از اعضای سندیکا را دستگیر و تا پایان مراسم در ماشین نیروی انتظامی نگه داشته و سپس آزاد کردند. روی پلاکادهای کارگران شرکت واحد با آرم سندیکا نوشته شده بود: "دستمزد عادلانه حق مسلم ماست"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "سندیکا حق مسلم ماست" و

این سندیکا اما تنها تشکل مستقل کارگری شرکت کننده در راهپیمایی خانه کارگر تهران نبود. در تاریخ 10 اردیبهشت، یک روز قبل از راهپیمایی خانه کارگر در تهران، سندیکای نقاشان البرز با صدور فراخوانی خواهان حضور مستقل کارگران، بیکاران، زنان، دانشجویان و تمامی اقشار تحت ستم در راهپیمایی خانه کارگر شده بود. سندیکای نقاشان البرز در فراخوان خود نوشته بود: "در شرایطی که توازن قوا اجازه برگزاری مراسمی مستقل و تأثیرگذار را از فعالان جنبش کارگری سلب می کند، ما پیشنهاد می کنیم که

کارگر" به عنوان ابزار تبلیغاتی خود گرد می آورد، حضور پیدا کنند و با طرح شعارها و مطالبات مستقل جنبش کارگری اجازه ندهند این نهاد ارتجاعی برنامه خود را پیش ببرد. "در ادامه ی این مطلب به این مساله برمی گردیم."

سنندج

در سنندج طبق معمول سالهای قبل، چند روز و هفته مانده به اول ماه تعدادی از فعالین و دوستداران کارگری از طرف اطلاعات فراخوانده و تهدید می شوند که نباید در سازماندهی و برگزاری مراسم و جشن های اول ماه دخالت و شرکت کنند. بعضی از این فعالین را گاهی تا روزهای بعد از اول ماه در بازداشت نگه می دارند و بقیه را با قید وثیقه آزاد می کنند. این اتفاق امسال هم در شهرهای سنندج و سقز افتاد.

با وجود فضای تهدید و فشار رژیم بر کارگران و فعالین کارگری، جمع هایی از کارگران یک هفته مانده به اول ماه در گل گشتهایی به استقبال اول ماه رفتند و به بحث و تصمیم گیری در مورد تدارک جشن کارگران پرداختند.

خانه کارگر

در سنندج با وجود فراخوان خانه کارگر این شهر برای حضور کارگران در راهپیمایی روز جهانی کارگر، مجوز برگزاری این راهپیمایی ساعاتی قبل از شروع آن لغو شد. اما بدون توجه یا اطلاع از تصمیم خانه کارگر، تعدادی از کارگران و اعضای تشکلهای فعالین کارگری، روز 11 اردیبهشت برای شرکت در مراسمی که خانه کارگر فراخوانده بود، در محل از قبل تعیین شده جمع شدند که مورد حمله نیروهای امنیتی و انتظامی قرار گرفتند. ماموران رژیم کارگران را مورد ضرب و شتم و بی احترامی قرار داده و سه تن از آنان را بازداشت کردند.

سندیکای خبازان

انجمن صنفی " سندیکا" ی کارگران خبازی های سنندج، با عدم شرکت در راهپیمایی خانه کارگر، علیرغم حضور نیروهای امنیتی، مراسم روز جهانی کارگر را در دفتر انجمن برگزار کرد. در این مراسم ضمن سخنرانی اعضای هیئت مدیره ی سندیکا، بین کارگران شیرینی پخش شد. ماموران امنیتی مانع قرائت بیانیه سندیکای خبازان به مناسبت اول ماه شدند. ضمناً پیش از برگزاری این مراسم، دبیر و یکی از اعضای هیات مدیره سندیکا، به ستاد خبری اطلاعات سنندج احضار و بعد از پایان مراسم آزاد شدند.

راه پیمایی اول ماه

یکشنبه ۱۲ اردیبهشت برابر با اول ماه مه، ساعت ۱۱ صبح، جمعی از کارگران و مردم شهر سنندج بطور مستقل و هماهنگ با در دست داشتن پلاکاردهایی بمناسبت اول ماه مه یک راهپیمایی کوتاه از اول خیابان انقلاب تا چهار راه سیروس و اداره بیمه تامین اجتماعی استان، سازمان دادند.

پلاکاد و شعارهای راهپیمایان عبارت بودند از: "دستمزدهای معوقه کارگران باید فوری پرداخت گردد"، "بیمه بیکاری برای تمامی

زوجهای کارگر باید تعطیل رسمی اعلام گردد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "کارگران حق دارند تشکلهای مستقل خود را داشته باشند". "دستمزد زیر خط فقر، گرسنگی و مرگ تدریجی خانواد های کارگری است..."

آتش بازی

شبانگاه روز 11 اردیبهشت هم جمعی از کارگران در یک جشن آتش بازی به مناسبت اول ماه، شهر سنندج را نورافشانی کردند.

مریوان

در شهر مریوان مراسم اول ماه از جانب اتحادیه کارگران فصلی و ساختمان و سندیکای خبازان در میدان دوازده سواره شهر مریوان برگزار گردید. کارگران شرکت کننده در این مراسم خواستار افزایش دستمزد و پرداخت حقوق های معوقه و خواهان به رسمیت شناخته شدن تشکل های مستقل کارگری شدند.

این مراسم با پخش شیرینی در میان کارگران و عابرین در میدان که مورد استقبال گرم مردم شهر قرار گرفت و باقرائت بیانیه مشترک انجمن صنفی کارگران خباز شهرستانهای مریوان و سروآباد و انجمن صنفی کارگران خباز در سنندج به پایان رسید.

اول ماه و یک اتفاق جدید!

"شرکت با عدم شرکت در مراسم های خانه کارگر!"

این سوالی است که هر سال مقابل طبقه کارگر در ایران و فعالین و تشکل های مستقل کارگری قرار می گیرد. این سوال تا کنون از جانب رهبران و فعالین و تشکل های کارگری جواب منفی گرفته بود.

اتفاقی که امسال در اول ماه در ایران افتاد این بود که بخشی از فعالین و نهادهای کارگری در ایران و بخش اعظم احزاب و جریانات سیاسی چپ تحت نام کمونیست و کارگر، تبلیغ کردند که کارگران در مراسم های خانه کارگر شرکت کنند. این یک بدعت و تجدید نظر در رابطه طبقه کارگر با تشکل های دولتی و ضدکارگری تحت کنترل دولت و نهادهای جاسوسی و امنیتی جمهوری اسلامی بود. همه طرفداران شرکت کارگران در مراسم های خانه کارگر مهم ترین و شاید تنها استدلالشان این بود، در حالیکه مراسم مستقل کارگری ممنوع است، پس برویم و حرف هایمان را در مراسم "آزاد" خانه کارگر بزنیم!

گفتند، "برویم نگذاریم خانه کارگر این نهاد ارتجاعی شعارهای خود را به خورد کارگران بدهد". "برویم شعارهای مستقل کارگری بدهیم". "برویم فضا را از خانه کارگر بگیریم". "برویم مراسم خانه کارگر را تصرف کنیم!" ...

ظاهراً فکر خوبی است. چرا نه؟ ما همیشه گفتیم آنجا که کارگر هست، تشکل های کارگری، فعالین و سوسیالیست ها و کمونیست های کارگری باید باشند. باشند تا از حقوق و منافع و خواسته های طبقه شان دفاع کنند. باشند تا آژیتاسیون کمونیستی و ضد سرمایه داری کنند. باشند تا ادعای طبقه شان را علیه نظام سرمایه داری بیان کنند. باشند تا کارگران را به فریب و

روز جهانی کارگر ۱۱ اردیبهشت ۹۵

دروغ های مبلغین بورژوازی در لباس کارگر آگاه کنند. و باشند تا اول مه همبستگی طبقاتی کارگران را تاکید کنند که کارگران جهان یک طبقه اند، کارگران هر کشوری تنها یک گردان از لشکر عظیم طبقه کارگر جهانی است. طبقه کارگر در سرتاسر جهان صرف نظر از نژاد و ملیت و مذهب و جنسیت و ...، یک منفعت مشترک طبقاتی دارند. هر کارگری باید خود را نه تنها عضو طبقه کارگر کشورش، بلکه عضو طبقه کارگر جهانی بداند. "کارگران جهان متحد شوید!" ...

چرا نه؟ هر جا که مفری باشد و میکروفونی ولو برای چند دقیقه به دست کارگری بیفتد که به منافع طبقاتیش آگاه است، باید برود و حرفش را بزند و طبقه اش را نمایندگی کند.

اما این یک حکم "اصولی" و "ابدی" و بدون در نظر گرفتن شرایط و موقعیتی که طبقه کارگر هر کشوری، هر شهری و حتی هر مرکز کارگری بزرگی که در آن قرار گرفته است، نیست. این فقط یک امکان است. و جواب به این سوال که این سیاست با تاکتیک و یا اقدام ممکن است یا نه؟ مساله امکانگرایی نیست. واقع بینی و روشنی طبقاتی است. قبل از اینکه حکم شرکت کارگران ایران در مراسم های خانه کارگر را بدهیم باید از خودمان بپرسیم که طبقه ما در چه موقعیتی قرار دارد؟

- اگر این حکم برای شکل های کارگری است و اگر مشخص بگویم که، این حکم برای سندیکای شرکت واحد، سندیکای هفت تپه، سندیکاها و انجمن های صنفی خبازان، سندیکای نقاشان البرز، اتحادیه فلزکار مکانیک، نهادهای فعالین کارگری بیرون از طبقه و ... است، آنوقت بنشینیم و کلاه خود را قاضی کنیم که کدامیک از این تشکلهای به نام تشکل خود می توانند در مراسم خانه کارگر حضور یابند و برای یک دقیقه هم شده میکروفون بگیرند و حرف بزنند؟ هیچکدام!

توازن قوای اجتماعی این بخش ها که بدرجه ای متشکل اند، این فرصت و امکان را به آنها نمی دهد. این از آغاز روشن بوده و هست. اینطور نیست که ما تویی را به میدان دشمن انداخته ایم و او باید تصمیمش را بگیرد. او تصمیمش را از پیش گرفته است و سالها است آن را عملی می کند. امسال چه اتفاق جدیدی افتاده است که ما عزم جزم کرده ایم برویم و خیابان را از خانه

کارگر بگیریم و تصرف کنیم! هیچ اتفاقی نیفتاده است. نه خانه کارگر کارگری شده، نه دولت روحانی نسبت به طبقه کارگر معتدل گشته و نه قانونی عوض شده است. پس این اشتباهی ناوقت از کجا آمده است؟ فکر می کنم تماما از بی افقی!

وقتی طبقه کارگر و کمونیستها افق شان را کور می بینند، بهر دری می زنند تا شاید از سر شانس اتفاقی بیفتد و خبری حاصل شود.

صورت مساله از نظر من این نیست، "حالا که استعداد هست و مراسم مستقل کارگری ممنوع است پس برویم از امکان خانه کارگر استفاده کنیم. تصرف پیشکش!" مساله واقعی و تلخ طرفداران شرکت در مراسم خانه کارگر این است، "حالا که ما توان بسیج کارگران در هیچ بخش و مرکز و شهر و منطقه ای و حتی در صنف خود، نداریم، پس برویم و به خانه کارگر آویزان شویم تا نیرویش را او بیاورد و منفعتش را ما ببریم."

مگر خانه کارگر و دولت و نیروهای امنیتی شان مغز خر خورده اند که کارگر جماعت را برای سخنرانی و پلاکادهای سرخ ما جمع کنند و در اختیار ما بگذارند تا حرف های طلایی بزنیم! این چه توهم و خیالبافی و توقعی است از دشمن!

"برویم تصرف کنیم!" این ادعا دیگر شاهکار است! برای تصرف راهپیمایی چند هزار و چند ده هزار خانه کارگر، باید نیروی اگر نه بیشتر از آن، بلکه در حد او را به خیابان بیاوری. یا اگر طبقه کارگر و رهبران و تشکلهایش توان یک مارش چند هزار و چند ده هزار را داشته باشد، چرا مستقلا به خیابان نیاید! کیست نداننده که طبقه ما در حال حاضر در چنین وضعیتی قرار ندارد. طبقه کارگر نه بلحاظ خوداگاهی طبقاتی وسیع، نه میزان تشکل و اتحاد توده ای و نه اتحاد و سازمان کمونیستی لازم درون خود، این آمادگی را ندارد. در نتیجه تشکل ها و نهادهایی که به نام کارگر فعالیت می کنند، با اعلام شرکت در مراسم خانه کارگر به موقعیتی می افتند که امسال کارگران شرکت واحد در تهران و فعالین و دوستداران کارگران در سنجند افتادند. تحقیر شدند، توهین شنیدند و به خانه یا بازداشتگاه فرستاده شدند...

- یا اگر، در فراخوان و تشویق کارگران به شرکت در مراسم های خانه کارگر، آحاد طبقه کارگر مورد خطاب است، باز به این معنا است که کارگر غیر متشکل و منفرد و متوهم را به

سیاهی لشکر خانه کارگر فرا می خوانید. به این نهاد ضد کارگری مشروعیت می دهید و برایش احترام می خرید. مهم نیست تو چه میگوئی. "میروم و تصرف می کنم"، یا "میروم افشا می کنم" و از این قبیل... آنچه کارگران می بینند مارش خیابانی تحت پرچم خانه کارگر است که کسی توان پایین کشیدنش را ندارد و پشت میکروفون هم حسن صادقی و محبوب در پناه وزارت اطلاعات ایستاده اند و برای کارگران درافشانی می کنند و در لباس رییس و رهبر، طبقه کارگر را به حمایت از دولتشان فرا می خوانند. توقع داشتید اینطور نشود و محبوب و صادقی که دیروز زبان اسالو را بریدند امروز دمکرات شده و به احترام دمکراسی برای چند دقیقه میکروفون را به کارگر سوسیالیست می دهند!!

این ها فاکت ها و واقعیاتی بی برو برگردند. ما توان شکستن این توازن قوا و تغییر آن را در اول مه امسال نداشتیم و نداریم.

برخلاف سیاست و تصور طرفداران شرکت کارگران در مراسم خانه کارگر، بخشی از کارگران امسال هم در حد توانشان و نه توهومات به بورژوازی، تصمیم گرفتند، اول مه گل گشتهایشان را برونند، در مراکز کار و محلات با خانواده هایشان جشن بگیرند. بیانییه هایشان را بنویسند و از این طریق ادعاینامه ی طبقه شان علیه بورژوازی را بیان کنند. هر جا هم توانستند برای مدتی ولو کوتاه در خیابان رژه رفتند. برخلاف تصمیم نادرست بعضی تشکلهای کارگری در ایران بخصوص در تهران و سنجند، و برخلاف فتوای چپ بی افق و متوهم به خانه کارگر و دولت روحانی، امسال هم این اتفاقات افتادند.

این همه ی زورمان نبود. توان طبقه کارگر خیلی بیشتر از این ها است. اما این توان را با گدایی از فرصتهای خانه کارگر نمی توان بدست آورد. تنها با استقلال طبقاتی، اتحاد طبقاتی، تشکل طبقاتی و سیاست کمونیستی و کارگری می توانیم تمام زورمان را نشان دهیم. چه در یک روز اول مه و چه در روزهای اعتصابات و اعتراضات کارگری برای مطالبات فوری و رفاه و بهبود شرایط کار و زندگی و چه زمانی که دیگر وقت آن است قدرت سیاسی طبقه کارگر و تمام قدرت را بخواهیم و بگیریم.

مظفر محمدی

اردیبهشت ۹۵ - مه ۲۰۱۶

اول ماه مه و روز معلم (آزادی بدایی)

اول مه مصادف است با روز معلم. معلمان بخشی از زحمتکشان جامعه اند که سرنوشتشان مانند همه اقشار زحمتکش به قدرت طبقه کارگر بستگی دارد. در ایران، جنبشهای اجتماعی وسیع و قدرتمندی هم بالقوه و هم بالفعل وجود دارند که می توانند ترازوی طبقه کارگر را به ضرر بورژوازی حاکم سنگین تر کنند. در این سالها ما شاهد شعارهای "کارگر، معلم، دانشجو اتحاد، اتحاد" بوده ایم. جنبش معلمان برای حقوق و مطالباتشان اکنون در زمره جنبش های قدرتمند جامعه است. اما اگر معلم، دانشجو، زن و زحمتکش هستیم نباید فراموش کنیم که پیروزی جنبش های اجتماعی در گرو قدرتمند شدن جنبش طبقاتی کارگران است. به بیانییه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در دفاع از خواست، جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی از رهبران کانون صنفی معلمان ایران توجه کنید!

شایسته بود به مناسبت اول مه شاهد پیام های تیریک و همبستگی جنبشهای اجتماعی از جمله معلمان به طبقه کارگر به مناسبت اول مه بودیم. کانون های صنفی معلمان در اول مه و روز معلم می توانستند در کنار کارگران این همبستگی را در جشن های مشترک کارگری و معلمان عملا به جامعه نشان دهند. این اتفاقی است که علاوه بر اول مه، به مناسبتهاى مختلف از جمله اعتصابات کارگری، اعتصاب معلمان و اعتراضات اجتماعی و یا تعرض دولت و نیروهای امنیتی به فعالین کارگری و معلمان و زنان و دانشجویان بیفتد و عملی گردد. در نظام سرمایه داری و دولت جمهوری اسلامی طبقه کارگر به نیروی کل زحمتکشان جامعه نیاز دارد و تضمین کسب هر حقوق و مطالبات و هر گام پیشروی زحمتکشان و جنبش های اجتماعی هم به قدرت طبقه کارگر، مثل نیاز به نان شب است.

به بهانه اول مه امسال، در این صفحه اطلاعیه کانون صنفی معلمان ایران در مورد آزادی یکی از رهبرانیشان را بخوانید:

قطعه نامه مشترک کارگران خبازیهای سنندج و مریوان به مناسبت روز جهانی کارگر

کارگران، مردم شریف ایران!

امسال در حالی که پیشواز اول ماه مه (روز جهانی کارگر) می رویم که نظام سرمایه داری کماکان در بحران ساختاری خود دست و پا می زند. اقتصاد چین همانند گلوله برفی در حال ذوب شدن است، قیمت نفت به پایین ترین سطح خود طی چند سال اخیر رسیده و بازارهای بورس دنیا به یک پنجم ارزش خود نزول کرده اند. تغییر قوانین کار و تامین اجتماعی در کشورهای بحران زده به نفع صاحبان سرمایه، ادامه سیاست جنگ افروزانه آمریکا، ناتو و متحدین منطقه ای شان در شمال آفریقا، منطقه بالکان، خاورمیانه و... تحت لوای مبارزه با تروریسمی که خود باعث و بانی آن هستند و دهها و صدها طرح و برنامه ضد انسانی دیگر از جمله سیاست های تاکتونی سرمایه داری برای برون رفت از بحران اقتصادی بوده که چیزی جز جنگ و کشتار، آوارگی و ویرانی، فقر و فلاکت و... برای توده های کارگر و زحمتکش به همراه نداشته است.

کشور ما ایران نیز از تغییر و تحولات حاکم بر اقتصاد جهان بدور نمانده و تاکنون نتوانسته از بحرانی که سالهاست گریبان اقتصاد کشور را گرفته رهایی یابد. بیکاری در جامعه همچنان بیداد میکند، سفره کارگران زیر سایه گرانی و تورم لجام گسیخته، دستمزدهای بشدت زیر خط مرگ، عدم امنیت شغلی با رواج قراردادهای موقت و سفید امضاء و... کم رنگ تر شده است، به طوریکه طی سالهای اخیر تمامی برنامه های اقتصادی ارائه شده برای برون رفت از بحران، کاملاً تابعی از برنامه های ریاضتی دیکته شده از سوی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بوده است. از قانونی کردن اخراج کارگران در قانون کار گرفته تا افزایش سن بازنشستگی به صورت پله کانی، افزایش ساعات کار، پایین آوردن دستمزدها، حذف تمامی حق و مزایای قانونی در برنامه ششم توسعه، همه و همه در راستای حفظ منافع صاحبان سرمایه و حامیان شان می باشد.

با وجود تعرضات جبهه سرمایه علیه معیشت طبقه کارگر، هر چند کارگران بصورت پراکنده و گاه متحده و سراسری علیه بی حقوقی های اعمال شده اعتراض کرده اند اما نتوانسته اند آنچنان باید و شاید کارفرمایان و حامیان شان را به عقب برانند. به همین خاطر هم بوده که هر سال دولت و کارفرمایان بسته به اوضاع و احوال خودشان دستمزدها را تعیین می نمایند نه براساس قدرت طبقه کارگر، چون اساسی ترین فاکتوری که در تحمیل مزدی برابر با بالاترین استانداردهای امروزی بشر نقش موثری ایفا می کند؛ همانا سازمانیابی طبقاتی کارگران به صورت مستقل از دولت و کارفرما در سطحی سراسری است که متأسفانه غایب است، نه در تعیین تکلیف هر تشکل یا سازمان و ارگان دیگری... ما کارگران شاغل در خبازیهای سنندج و مریوان بدینوسیله بار دیگر اعلام می نماییم که سازمانیابی طبقاتی کارگران امری ضروری و روز آمد است که همواره در برابر ما قد می کشد و ما باید برای تحقق آن گام های استوار خویش را برداریم و از تمامی موانع پیشرو از برخوردهای انحصارطلبانه، نگاه های فرقه ای، گرایشهای خرده بورژوازی و که محلی از اعراب در جنبش کارگری ندارند، عبور کنیم.

به همین خاطر ما کارگران خبازی های سنندج و مریوان بمناسبت روز جهانی کارگر و در راستای تحقق خواست های برحق خود، مطالباتمان را به شرح زیر اعلام می داریم.

- 1- ما حق ایجاد تشکل های مستقل کارگران، تجمع، اعتصاب، آزادی بیان و اندیشه را خواستاریم.
- 2- برابری کامل زن و مرد در تمام جوانب زندگی اجتماعی و اقتصادی و لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه آنها.
- 3- لغو کلیه احکام غیر قانونی زندان، شلاق، تبعید و... علیه فعالین صنفی کارگری و معلم
- 4- ممنوعیت کار کودکان، حق تحصیل رایگان برای کودکان ایرانی و اتباع خارجی
- 5- توقف اخراج و بیکارسازی ها، لغو کلیه قراردادهای موقت و سفید امضا
- 6- ما با اعلام پشتیبانی از اعتراضات برحق کارگران، معلمان، پرستاران و... حمایت قاطع خود را از ایجاد تشکل سراسری و طبقاتی کارگران، که بتواند این اعتراضها را بصورت متحده و یکپارچه رهبری کند اعلام می نماییم
- 7- ما کارگران جنگ افروزی دول غربی و متحدین منطقه ای آنان را محکوم و خواستار پایان دادن به کشتار و کوچاندن اجباری مردم بی دفاع مناطق جنگ زده دنیا هستیم
- 8- تعیین دستمزد 812 هزار تومانی از سوی شورای عالی کار را تحمیل مرگ تدریجی بر میلیون ها کارگر دانسته و خواهان افزایش دستمزدها متناسب با بالاترین استانداردهای امروزی بشر، برای تمامی کارگران و مزدبگیران را خواستاریم
- 9- ما کارگران بر این عقیده ایم که طبقه کارگر می بایست مستقیماً در تعیین سرنوشت خود دخیل باشد و ضمن اینکه هرگونه تعیین تکلیف برای کارگران از بالا را امری غیر کارگری می دانیم، خواستار لغو جلسه سه جانبه شورای عالی کار در تعیین دستمزد کارگران هستیم
- 10- ما کارگران مراسم های دولتی روز جهانی کارگر را مراسم هایی فرمایشی می دانیم و خواستار آن هستیم که روز جهانی کارگر به عنوان روز تعطیل در تقویم رسمی کشور گنجانده و هرگونه ممنوعیت و محدودیت در برگزاری مراسم های مستقل این روز برداشته شود

گرامی باد روز جهانی کارگر

انجمن صنفی کارگران خبازی های سنندج و حومه
انجمن صنفی کارگران خبازی های مریوان و سروآباد
اردیبهشت ۱۳۹۵

زنده باد انقلاب کارگری

چرا نباید در مراسم خانه کارگر شرکت کرد!

مظفر محمدی

نشریه کار و کارگر وابسته به خانه کارگر جمهوری اسلامی در شماره اخیر خود، برگزاری مراسم های خانه کارگر در تهران و شهرستان ها را اعلام کرده است. خانه کارگر با خوشحالی اعلام کرده که مجوز مراسم های اول مه را از دولت گرفته است!

در این رابطه در میان بخشی از فعالین کارگری و نهادهای تحت نام کمیته و اتحادیه و غیره که به نام کارگر و فعالین و دوستان کارگر فعالیت می کنند این سوال و بحث مطرح شده است، حالا که دولت مجوز مراسم مستقل کارگری را نمی دهد پس بهتر است در مراسم های خانه کارگر شرکت کرد.

از جمله در سندج این طیف و نهادها مطرح و استدلال کرده اند که می رویم و مراسم را خود به دست می گیریم و هژمونی بدست می آوریم و شعارها و پیام های خود را می دهیم...

در اینجا می خواهم خلاصه بگویم که چرا شرکت در مراسم هایی که خانه کارگر اعلام کرده است سیاست و تاکتیکی نادرست و غیرکارگری است.

کیست نداند که خانه کارگر تشکیلی دولتی است و از همان آغاز بعنوان مانع و ترمزی بر سر راه مبارزات مستقل کارگری به میدان فرستاده شده است. این تشکل در تمام طول موجودیتش هیچ منفعتی از طبقه کارگر را نمایندگی نکرده است. رهبران خانه کارگر از جمله محبوب بعنوان نماینده و مسوول کمیسیون کارگری مجلس همواره در حرف از منافع کارگر گفته اما در عمل قوانین ضد کارگری جمهوری اسلامی مصوب مجلس اجرا شده است. قوانینی که همه با آن آشنا هستند. دستمزد ناچیز، قراردادهای سفید و ناامنی شغلی، عدم بیمه بیکاری برای میلیون ها کارگر و صدها مورد ضد کارگری دیگر. اگر خانه کارگر یک ذره منفعت طبقه کارگر را نمایندگی می کرد، در حالیکه در مجلس هم نماینده دارد، چرا حال و روز این طبقه سال به سال و روز به روز بدتر و غیر قابل تحمل تر می شود؟!

شرکت در مراسم خانه کارگر و قرار گرفتن در کنار آن و اتحاد عمل و عکس گرفتن با تشکیلی دولتی و ضد کارگری، به این تشکل مشروعیت و رسمیت می بخشد. و این کاری است که نباید کرد. بخشی از کارگران از سر ناچاری و بدلیل اینکه تشکل مستقل کارگری ممنوع است در خانه کارگر اسم نوشته اند. برای مثال در سندج صدها کارگر فصلی و ساختمانی در سندیکای وابسته به خانه کارگر عضو شده اند. این بخش کارگری متوهم به خانه کارگر یا بدون الترناتیو اند و احتمال دارد شرکت کنند. اگر در میان این کارگران کارگر سوسیالیستی پیدا شود و اجازه ی گرفتن میکروفون را ولو به مدت 2 دقیقه داشته باشد، لابد می رود و از وضعیت طبقه اش، از نظام سیاه سرمایه داری و بردگی مزدی و از سوسیالیسم و راههای جامعه بشری حرف می زند. اما فعالین و دوستان سرشناس کارگران در

همین شهر و یا نهادهایی که به نام کارگر کار می کنند اگر بخواهند در مراسم اول مه خانه کارگر شرکت کنند، فردای روز بعد از اول مه به کارگران عضو سندیکای وابسته خانه کارگر چه می توانند بگویند! فرض کنید ما بخواهیم یک سندیکای مستقل برای هزاران و ده ها هزار کارگر فصلی و ساختمانی در کردستان و یا حتی در شهر سندج سازمان بدهیم، کارگران فصلی و ساختمانی اگر بگویند ما سندیکای کارگری خود را زیر سایه خانه کارگر داریم، به آنها چه می توانیم بگوییم! می گوئیم خانه کارگر تشکل دولتی است و ضد کارگر عمل می کند پس بیایید بیرون و سندیکای مستقل خود را سازمان دهید؟! آنوقت این کارگران حق ندارند به ما بگویند بابام جان تو دیروز در اول مه و روز جهانی کارگر شانه به شانه خانه کارگر رژه رفتید و مراسم گرفتید. الان چرا خانه کارگر بد شده؟ ما به این کارگران چه می توانیم بگوییم؟ می گوئیم تاکتیک بود؟ می گوئیم بلتیک زدیم و خواستیم سر خانه کارگر کلاه بگذاریم و مراسم اش را از آن خود کنیم؟ می گوئیم رفتیم و شعارهای خودمان را دادیم؟ ... آیا این عمل ما را یاد جنبش سبز و مدافعانش نمی اندازد؟

بیایید با هم رو راست و راستگو باشیم. آیا شرکت در مراسم خانه کارگر به مناسبت اول مه یا هر مناسبت دیگر نشان از این ندارد که ما به کارگران شهرمان بی ربطیم! تلاش نمی کنیم و نمی توانیم صدها و هزاران و ده ها هزار کارگر و خانواده کارگری را بسیج کنیم و مراسم و جشن مستقل اول مه را برگزار کنیم، در میان کارگران و خانواده هایشان نیستیم، با آنها هم درد و همراه و دوست و رفیق نیستیم... آیا قبول داریم که ما تعدادی ادم جمع شدیم مغز همدیگر را می خوریم و جلسه می گیریم و دعوا می کنیم و بعد اگر شد تصمیمی می گیریم. از جمله همین تصمیم به شرکت در مراسم خانه کارگر به مناسبت اول مه!

حقیقت این است که این دوستان و نهادها و فعالین کارگری دستشان به کارگر جماعت و خانواده هایشان بند نیست. فکر می کنند حالا که خانه کارگر تعدادی کارگر را بسیج کرده و جمع می کند پس فرصت است برویم حرفهای خودمان را بزنیم.

لا بد می گوئیم خدا پدر خانه کارگر را بیامزد که فرصتی برای ما فراهم کرده است برویم حرف بزنیم. ولی این فرصت طلبی بسیار بدی است. یک بد آموزی، یک توهم پراکنی و تظهنر خانه کارگر و مشروعیت دادن به این نهاد ضدکارگری دولتی و آبرو خریدن برای آن است. کارگر را متوهم می کنیم که جمع شدن دور خانه کارگر و سندیکاهایش کار بدی نیست. متوهم می کنیم که خانه کارگر را می شود تحمل کرد و پذیرفت، می شود با آن اتحاد عمل کرد، کار مشترک کرد، اول مه مشترک گرفت، با آن عکس گرفت و به آن رسمیت داد...!

کسانی که به نام فعالین مستقل کارگری و یا نهاد کارگری می روند در مراسم اول مه خانه کارگر شرکت می کنند تا بلکه به این بهانه اجازه حرف زدن و بیانیه خواندن را داشته باشند، اگر حرفهای طلبی هم بگویند به جیب خانه کارگر می رود. خانه کارگری که راسیسم و ضدیتش با کارگران افغانی برای همه آشکار است. تازه

نمیاید در مراسم خاه کارگر بمناسبت اول مه شرکت کرد. نباید این تشکل دولتی و ضدکارگری را مشروعیت و رسمیت داد و برایش آبرو خرید. نباید کارگران را به این نهاد ضد کارگری متوهم کرد. باید هر گونه تلاش دولت و سرمایه داران را برای تظاهر به کارگر دوستی و احترام به اول مه و غیره خنثی و افشا کرد. باید دورویی، فرصت طلبی و فریبکاریشان را برملا کرد. کاری نکنید که بگوئیم صد رحمت به اول مه های ولو با شرکت فعالین و دوستان کارگران، ولو بدون حضور وسیع خانواده های کارگری در تجمعات و گل گشت ها و غیره!! سندج به شهر اول مه های کارگری مشهور است. این سنت را کور نکنیم!

کارگران و خانواده های کارگری که در شهرهای بزرگ سر به صدها هزار و میلیونی می زنند می توانند جشن کارگری اول مه خود را مستقل از هیاهوی فرصت طلبان و تبلیغات دولتی از زبان خانه کارگر، برگزار کنند. در محلات و در پارک ها و هر جا ممکن است دسته دسته و هزاران کارگر و خانواده های کارگری دور هم جمع شده و اول مه روز جهانی و همبستگی طبقه کارگر جهانی را جشن بگیرند. بگذارید همه مردم شهر، همه بچه ها و بزرگ ها و پیر و جوان شهر بدانند که اول مه روز جهانی کارگران و خانواده هایشان است. روز هیچ تشکل دولتی و هیچ دولت و طبقه سرمایه دار نیست. روز کارگر و رای مذهب و مرز و ملیت و جنسیت است.

روز کارگر مبارک باد!
۱۰ اردیبهشت ۹۵
۲۹ آوریل ۲۰۱۶

"نینا را بخوانید"

و به

دیگران توصیه کنید

"

بیانیه انجمن کارگران ساختمانی مریوان و سروآباد در خصوص روز کارگر که بالغ بر ۳۵ انجمن و کانون آن را امضا کردند:

روز کارگر اول ماه مه بر تمامی کارگران مبارک باد!

در حالی که پیشواز دوازدهم اردیبهشت اول ماه مه روز جهانی کارگر می رویم که با توهم مهار بحرانهای اقتصادی زاده تفکر سرمایه داری اخیر به قیمت پامال کردن هرچه بیشتر حقوق کارگران در سرتا سر جهان در شرایطی بس وخیم تر از گذشته بسر میبریم و همچنین در ایران با تأثر از بحران جهانی و شرایط رکود و بیکاری شاهد استثمار روبه فزونی این قشر زحمت کش می باشیم. در شرایط رفاه اجتماعی بهره و حاصل رنج کارگر به جیب سرمایه داران می رود و در زمان بیکاری و رکود هم اولین قربانی بحران کارگران هستند که با تعطیلی کارخانه ها و تعدیل و انقباض در بوجه های عمرانی و به تعویق انداختن حقوق باید تاوان اشتباه سرمداران را کارگران به دوش بکشند

کارگران و مزد بگیران که برای زنده ماندن چیزی جز فروش نیروی کار خود در قبال اندک مزد ندارند و در حالی که ثروت و سامان دنیا را تولید می کنند این در حالی است که خود در شرایط اسفباری بسر می برند. امروز دیگر دنیا ان دنیای دور از دسترس نیست و این را سرمایه داران هم بهتر از ما می دانند و شیوه های بهره کشی یا استثمار را مدرنتر و اسانتر یاد گرفته اند. ما کارگران باید این حقیقت را باور کنیم که به غیر از خود کسی به فکر ما نیست و این جاست که اتحاد و همبستگی بیش از پیش لازم و ضروری است و ما کارگران در هر صنف و در هر جای دنیا که باشیم باید با اتحاد و همبستگی به جنگ نابرابری و ناعدالتی ها برویم. باید با آگاهی از قوانین در جهت رفع کمبودها و نواقص موجود قدم برداریم چرا باید مجبور به تبعیت سلیقه ی افرادی باشیم که سوار بر قانون، قوانین را به ضرر کارگران تعبیر می کنند و این یعنی استثمار کامل کارگران و باید در برابر این زور گویی ها ایستاد

باید به این بیندیشیم که کارگران ساختمانی که توان کارکردن بمدت ۲۰ سال را ندارند چرا باید ۳۰ سال کار بازنشسته شوند ؟ چرا به کارگران ساختمانی قرامت بیکاری موقت ناشی از بیماری تعلق نمی گیرد؟

چرا حذف سهمیه صورت نمی گیرد و سازمان و دولت اصل ماده ۵ قانون تامین اجتماعی را اجرا نمی کند ؟ سهم دولت در بیمه کارگران ساختمانی کجاست؟

چرا دولت کارگران ساختمانی را از افراد شمول اصل ۲۹ قانون اساسی خارج کرده است؟ چرا کارهای فرهنگی در جهت ارتقا منزلت اجتماعی کارگران صورت نگرفته است ؟

چرا همواره با وجود داشتن بالاترین میزان حوادث ساختمانی در دنیا، کارفرمایان کشورمان ملزم به رعایت موارد ایمنی در ساختمان نمیباشند؟ چرا و چرا و چراهای بی جواب دیگر و در نهایت با سیاست غلط دولت در سالهای اخیر، ساخت و ساز به حداقل رسید و کارگران سال سخت و شب عید سختی را در مقابل خانواده خود گذراندند، این در حالی بود که دولت نه تنها بسته حمایتی به کارگران ساختمانی نداد بلکه این قشر را از سبد کالایی در حال پخش بین اقشار کم درآمد محروم کرد کمک به تشکل ها و استفاده درست از پتانسیل بالای تشکلهای کارگری در فضای تصمیم گیری و اجرایی خواست ما کارگران و انجمن های کارگران ساختمانی است.

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

امضا کنندگان:

کانون انجمن های کارگران ساختمانی کشور:
انجمن کارگران ساختمانی:

مریوان و سروآباد، سنندج، کامیاران، سقز، دیواندره، بندر انزلی، مازندران، اراک، سمنان، رشت، همدان، ماسال و شاندرمن، گیلان، البرز قزوین، لاهیجان، قم، سیاهکل، گچساران رشت، سفت کاران رشت، سمنان، بوکان، کاشیکاران رشت، رضوان شهر، تالش، آستارا، املش، چهار دانگه، نظرآباد کرج، کردکوی، بابل، خراسان شمالی، میاندواب، کانون انجمن های ساختمانی خراسان شمالی و انجمن کارگران ساختمانی تاسیساتی بجنورد

10 اردیبهشت ۱۳۹۵

هماهنگی: میکائیل صدیقی (انجمن کارگران ساختمانی مریوان)

اول مه و روز معلم...

اطلاعیه کانون صنفی معلمان ایران - تهران- شادباش و تبریک بمناسبت آزادی رسول بدایی

رسول بدایی، عضو ارشد کانون صنفی معلمان ایران، پس از تحمل درد و رنج هفت سال زندان، با پایان دوره محکومیتش، شب گذشته از زندان اوین آزاد شد. در این سال های پر درد همسر و فرزندان رسول شرایط بسیار سختی را پشت سر گذاشتند آنها با تحمل و پایداری خویش به رسول این قدرت و نیرو را دادند که بتواند این سال های پرمحنت را در زندان ها و بندهای مختلف از اوین تا گوهردشت تحمل نماید. دیشب شکبیا و ستایش دو قلوهای نازنین رسول بدایی پس از هفت سال دوری از پدر، برای اولین بار پدر خویش را آزادانه در آغوش کشیدند. ما آزادی رسول بدایی را پیش و بیش از همه به همسر فداکار و صبور وی و دختران فهیم و نازنینش، شبنم، ستایش و شکبیا تبریک و شادباش می گوئیم.

کانون صنفی معلمان ایران(تهران)، از همراهی و پیگیری تمام معلمان، فعالین صنفی، کانون های صنفی سراسر کشور، شورای هماهنگی تشکل های صنفی سراسر ایران، سایر افراد و تشکل های حقوقی، مدنی و صنفی در ایران و نهادهای بین المللی آموزشی و صنفی که در این سال ها برای آزادی رسول تلاش نموده اند، تشکر و قدردانی می کند. همچنین ما از تلاش های وکلای آقای بدایی، خانم اسدخانی و آقای عطار، صمیمانه قدردانی می کنیم. و آزادی رسول بدایی را به تمام هموطنان، معلمان ایران زمین، فعالین صنفی و مدنی و هرکس که خواهان بهبود وضعیت آموزش کودکان است صمیمانه تبریک می گوئیم

کانون صنفی معلمان تهران به صفت یک تشکل مستقل صنفی و آموزشی، اتهام امنیتی به فعالین صنفی را از اساس قبول ندارد. ما معتقدیم که هیچ معلمی نباید بخاطر پیگیری مسایل صنفی و آموزشی متحمل درد و رنج زندان شود. زندان نباید پاسخ به مطالبات معلمان باشد و مسئولین بایستی ضمن تحقق خواسته ها و مطالبات بر حق معلمان، زمینه را برای آزادی سایر همکاران دربند ما فراهم نمایند

به امید تحقق مطالبات صنفی و آموزشی ایران

به امید آزادی معلمان دربند

به امید آرزوی سلامتی و شادی برای رسول و خانواده محترم ایشان

کمیته اطلاع رسانی کانون صنفی معلمان ایران(تهران)

قطعه نامه روز جهانی کارگر از طرف چهار شکل کارگری ایران

قطعه نامه روز جهانی کارگر

۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۵ برابر با اول می ۲۰۱۶

جهانی کارگر را گرامی می داریم و خواسته های فوری خود را به ترتیب زیر اعلام داشته و برای تحققشان پیگیرانه مبارزه می کنیم:

۱- ممنوعیت تشکیل پرونده های قضائی با اتهاماتی از قبیل “اقدام علیه امنیت ملی، تبلیغ علیه نظام و اخلاف در نظم عمومی” علیه کارگران، معلمان و همه فعالین اجتماعی، لغو مجازات اعدام و قصاص و لغو کلیه احکام صادره، آزادی بی قید شرط کلیه فعالان کارگری و معلمان در بند همراه با تمامی فعالان سیاسی و اجتماعی.

۲- حق ایجاد تشکلهای مستقل و آزادی عضویت در آنها. آزادی بی قید و شرط اعتصاب، اعتراض، راهپیمائی، تجمع، اندیشه و بیان، احزاب و مطبوعات برای عموم مردم ایران.

۳- افزایش فوری حداقل دستمزد، بالاتر از خط فقر اعلام شده (۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان) و پرداخت بیمه بیکاری به همان میزان برای کلیه بیکاران و هر انسان آماده به کار اعم از زن و مرد. کارگران، معلمان و پرستاران حق دارند در ازای کارشان از یک زندگی مرفه و مطابق با استانداردهای مدرن برخوردار باشند.

۴- ممنوعیت به تعویق انداختن حقوق و دستمزدها. حقوق های معوقه که به یک رویه عادی در بنگاه های اقتصادی تبدیل شده معیشت کارگران و زحمتکشان را بیش از پیش به تباهی کشانده است. سرمایه داران و حامیان آنان با عدم پرداخت به موقع حقوق کارگران سودهای افسانه ای به جیب میزنند. تعویق در پرداخت حقوق باید به عنوان یک جرم تلقی شده و کارفرمایان خاطی مجازات و ملزم به جبران خسارات گردند.

۵- تامین امنیت شغلی و توقف اخراج سازیها، بر چیده شدن قراردادهای اسارت بار موقت و سفید امضا، حذف شرکت های تامین نیروی انسانی و پیمانکاری، قرار گرفتن کلیه کارگران شاغل از کارگاه های کوچک تا کارگران مناطق آزاد تحت پوشش کامل قانون کار و اجرای فوری بیمه کارگران ساختمانی.

۶- ممنوعیت کار کودکان و فراهم نمودن امکانات زندگی و تحصیل رایگان و برابر برای کلیه کودکان فارغ از جنسیت، قومیت و مذهب مطابق با استانداردهای پیشرفته همراه با ایجاد فضائی کاملاً علمی و شاد و دادن یک وعده غذای گرم و با کیفیت.

۷- سازمان تامین اجتماعی و صندوق

ما کارگران و همه انسانهای تحت ستم در ایران و سراسر جهان امسال درحالی به استقبال اول ماه مه می رویم که نظام سرمایه داری در همه ابعاد، دچار بحران های غیرقابل حلی شده است و تمام تلاشش را به کار می برد تا بار بحران های بوجود آورده را با بیکار سازیهای گسترده، تغییر در قوانین کار و به طور کلی باز پس گیری دستاوردهای طبقه کارگر و به راه انداختن جنگ ها بر دوش ما بیاندازد و خود را از این مخصصه رهایی بخشد. اما طبقه کارگر و بشریت متضرر از این وضعیت نیز ساکت ننشسته و با تمام قوا از آمریکا و یونان گرفته تا فرانسه و ایران و... در مقابل این تهاجم ایستاده است.

خصیصه نظام سرمایه داری و تقابلیش با طبقه کارگر در هر نقطه از جهان، کسب سود هر چه بیشتر در ازای تحمیل فقر و گرسنگی بر طبقه کارگر است، اما میزان شدت آن بسته به نوع نظامهای حاکم بر جوامع مختلف متفاوت است. ایران یکی از مناطقی است که طبقه کارگرش به شیوه ویژه ای تحت فشارهای سنگین سرکوب، محروم از هر گونه حق اعتراض، داشتن تشکل و به تبع آن برخورداری از همان درجه از امکانات معیشتی است که هم طبقه ای هایش در مناطق دیگر جهان از آن برخوردارند.

سالهاست که در بسیاری از کشورهای جهان و از جمله در ایران مبارزه کارگران و همه مزدبگیران برای عقب راندن سرمایه داری از سیاست تحمیل ریاضت اقتصادی و یورش به زندگیشان تحت عناوین بحران اقتصادی و غیره با قدرت در جریان است، امروز ما کارگران ایران مجدداً و اکیداً اعلام می نمایم که هیچ توجیهی برای پوشاندن و تبرئه ناتوانی نظام سرمایه داری در تامین یک زندگی مرفه برای خود را نپذیرفته و به هیچ وجه تحقق خواست یک زندگی انسانی را به رفع نیازمندیهای اقتصاد سرمایه داران گره نخواهیم زد.

از این رو ما کارگران، معلمان، پرستاران، مستمیری بگيران و كل بیکاران با خواست افزایش فوری دستمزد، ایجاد کار و یا پرداخت بیمه بیکاری و همچنین ممنوعیت تشکیل پرونده های قضائی با اتهامات امنیتی علیه معترضان به شرایط موجود، روز

اتحادیه آزاد کارگران ایران.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار
کرمانشاه.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه.

کانون مدافعان حقوق کارگر.

۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۵

بیانیه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در دفاع از خواست، جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی

چه کسانی امنیت جامعه را بخطر میاندازند؟!

دفاع از خواست برحق جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی. بیش از سه دهه است که کارگران ایران در یک مصاف دائم و همیشگی از طرف قوانین سرمایه داری حاکم، معیشت و زندگی شان تحت فشارها و تنگناهای مختلف قرار داشته است. از تحمیل دستمزدهای چندبرابر زیر خط فقر گرفته تا پرداخت نکردن بموقع دستمزدها، به مخاطره انداختن امنیت شغلی و دغدغه همیشگی با قراردادهای موقت و سفید امضاء، بوجد آمدن شرایط ناایمن و قربانی دادن های ناشی از حوادث در محیط های کار، گسترش پیمانکاریها و شرکتهای واسطه ای و تسلط آنها بر معیشت کارگران، بیکار کردن روز افزون کارگران و ایجاد یک لشکر بیکاری چندمیلیونی با تبعات ویرانگر اجتماعی، بوجد آمدن نسلی از کودکان کار و خیابان برای استثماری بیرحمانه در شرایط بی پناهی و بیحقوقی کامل، وبسیاری مصائب طاقت فرسای دیگر، نمونه هایی هستند از آنچه که طی این دوران بر سر طبقه کارگر ایران آمده است.

همچنین در سالهای اخیر فشارها و تنگناهای معیشتی بر بخش بزرگی از معلمین تحت عناوین مختلفی چون معلمان آزاد، حق التدریسی، شرکتی، پیمانی و پیش دبستانی، عدم اجرای کامل قانون نظام هماهنگ پرداخت، مصوبات ناعادلانه دولت در مورد فرهنگیان شاغل و بازنشسته، دستمزدهای پائین معلمین، نابودی تدریجی آموزش و تحصیل رایگان از طریق رشد فزاینده مدارس غیر انتفاعی و هیئت امنائی مراکز آموزشی و دهها مورد دیگر عرصه را بر زندگی و هستی معلمین نیز تنگ کرده است.

این وضعیت کارگران و معلمین را در تقابل و مقاومت در برابر تعرض و دست اندازی به سطح زندگی و معیشتشان کرده است و سالهاست به مقاومت و اعتراض برخاسته اند. از تهیه نامه ها و طومارهای اعتراضی تا اعتصابات بسیار گسترده و راهپیمایی و تجمعات مختلف در محیط کار و مجلس و وزارت کار و سایر اشکال اعتراضی که در جای جای این جامعه همچنان ادامه دارد.

گرچه نتایج این مقاومت ها و اعتراضات، موفقیتها و پیروزی ها و تجارب ارزشمندی را ببار آورده اما همواره با فشار و تهدید و سرکوب رو برو بوده که حاصل آن پرونده سازیهای امنیتی برای ده ها رهبر مبارز کارگران و معلمین است.

اکنون دو تن از این رهبران زندانی جعفر عظیم زاده رئیس اتحادیه آزاد کارگران و اسماعیل عبدی دبیر کانون صنفی معلمان در حرکتی متحدانه علیه این فشارهای امنیتی به پاخواسته و در اعتراض به وارد کردن اتهاماتی از قبیل «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور» به فعالیت های صنفی و تجمعات و اعتصابات و اعتراضات کارگری، اعلام کرده اند که از روز دهم اردیبهشت و در آستانه روز جهانی کارگر اعتصاب غذای خود را آغاز میکنند.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن ابراز نگرانی از سلامت این دو رهبر کارگری و معلمان پس از آغاز اعتصاب غذا، از خواست بحق و انسانی و قانونی آنها در اعتراض به امنیتی کردن فعالیت های صنفی و تجمعات و اعتصابات و با رد اتهامات واهی از قبیل «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور و تبلیغ علیه نظام» قاطعانه دفاع کرده و خواستار محاکمه مسببینی است که با اقدامات خود زندگی و آسایش و امنیت اکثریت جامعه را با تبعات ناهنجار اجتماعی ناشی از آن، به مخاطره انداخته اند.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

۲۹ فروردین ۹۵

مبارزه طبقاتی: پرولتاریا و بورژوازی

کمونیسم کارگری اما فرقه مصلحین خیالپرداز و قهرمانان مشتاق نجات بشریت نیست. جامعه کمونیستی الگو و نسخه ای ساخته و پرداخته ذهن خردمندانی خیر اندیش نیست. کمونیسم کارگری جنبشی است که از بطن خود جامعه سرمایه داری معاصر برمیخیزد و افق و آرمانها و اعتراض بخش عظیمی از همین جامعه را منعکس میکند.

تاریخ کلیه جوامع تاکنونی تاریخ مبارزه و کشمکش طبقاتی است. جدالی بی وقفه، گاه آشکار و گاه پنهان، میان طبقات استثمارگر و استثمار شونده، ستمگر و تحت ستم در ادوار و جوامع مختلف در جریان بوده است. این جدال طبقاتی است که منشاء اصلی تحول و تغییر در جامعه است.

برخلاف جوامع پیشین که عموماً بر سلسله مراتب طبقاتی و قشر بندی های پیچیده ای بنا شده بودند، جامعه مدرن سرمایه داری تقسیم طبقاتی را بسیار ساده کرده است. جامعه معاصر، علیرغم تنوع وسیع مشاغل و تقسیم کار گسترده، بطور کلی بر محور دو اردوگاه طبقاتی اصلی که رودر روی یکدیگر قرار گرفته اند سازمان یافته است: کارگران و سرمایه داران، پرولتاریا و بورژوازی.

تقابل این دو اردوگاه در پایه ای ترین سطح سرمنشاء و مبنای کلیه کشمکش های اقتصادی، سیاسی و حقوقی و فکری و فرهنگی متنوعی است که در جامعه معاصر در جریان است. نه فقط حیات سیاسی و اقتصادی جامعه، بلکه حتی زندگی فرهنگی و فکری و علمی انسان امروز که بظاهر قلمروهایی مستقل و ماوراء طبقاتی بنظر میرسند، مهر این صفت بندی محوری در جامعه مدرن سرمایه داری را بر خود دارند. اردوی پرولتاریا، اردوی کارگران، با همه تنوع افکار و ایده آله و گرایشات و احزابی که در آن وجود دارد، نماینده تغییر و یا تعدیل نظام موجود به نفع توده محروم و تحت ستم در جامعه است. اردوی بورژوازی، باز با کلیه مکاتب و احزاب سیاسی و متفکرین و شخصیت های رنگارنگش، خواهان حفظ ارکان وضع موجود است و در مقابل فشار آزادیخواهی و مساوات طلبی کارگری از نظام سرمایه داری و قدرت و امتیازات اقتصادی و سیاسی بورژوازی دفاع میکند. کمونیسم کارگری از این مبارزه طبقاتی سر بر میکند. صفی در اردوگاه پرولتاریاست. کمونیسم کارگری جنبش انقلابی طبقه کارگر برای واژگونی نظام سرمایه داری و ایجاد یک جامعه نوین بدون طبقه و بدون استثمار است.

از برنامه حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست / خط رسمی

تراژدی هی مارکت

مادر جونز

از ۱۸۸۰ به این طرف، در امریکا طبقه کارگر در تمام مراکز صنعتی یکپارچه در شورش بود... رکود اقتصادی در سراسر کشور حاکم بود و بیکاری بیداد می کرد. در شهرها، قحطی بود و فقر و ناامیدی! مبلغان خارجی که در کشورهای خودشان، تحت سلطه رژیم های استبدادی رنج می بردند، اینجا آیین های مختلف رستگاری اقتصادی را تبلیغ می کردند. مبلغان سیاسی به کارگران که جز نان و کم کردن ساعات کار روزانه، تقاضای دیگری نداشتند، راه مدینه فاضله را نشان می دادند و پلیس هم ضربات باتوم را!

علی الخصوص در شهر شیکاگو و با آن همه اخراج کردن ها و بزن و بگیر و ببندها، اعتصاب پشت اعتصاب بود. بعد از سال ۱۸۸۶، سال های اعتصابات بزرگ ملوانان دریایچه، باراندازها و کارکنان راه آهن بود. پلیس و کارفرماها این اعتصاب ها را با خشونت سرکوب می کردند... کارگران شروع کردند برای هشت ساعت کار روزانه.

اول ماه مه نزدیک می شد. بنا بود که جنگ کاهش روزی هشت ساعت کار شروع شود. مطبوعات دست به کار شدند که میان مردم تخم ترس و دلهره بپاشند. از چهار سمت شهر اعتصابات و راهپیمائی های همراه با تظاهرات به پا می شود. آنها فریاد می زدند: هشت ساعت کار، هشت ساعت تفریح و استراحت، هشت ساعت خواب! کارفرماها از خشم خون، خون شان را می خورد. شب انقلاب را جلوی چشم شان می دیدند... پاسبان ها بی هیچ اختاری به کارگران حمله کردند.

جمعیت را گرفتند زیر آتش و از چپ و راست باتوم بود که توی سر جمعیت می خورد. عده ای کشته شدند و جوان ها را هم تا سر حد مرگ زدند و آتش و لاش کردند. عده ای هم زیر دست و پای اسب پاسبان ها مانده بودند و ججمه های شان له و لورده شده بود... صدها نفر بازداشت شدند، اما فقط کسانی را به دادگاه می فرستادند که برای هشت ساعت کار روزانه مبارزه می کردند... جمعه ۱۱ نوامبر، رهبران جنبش را دار زدند. آن روز ثروتمندهای شیکاگو از ترس بر خود می لرزیدند... اولین یک شنبه بعد از اعدام، مراسم تشییع جنازه صورت گرفت. هزاران کارگر جنازه ها را تشییع می کردند. زیر نگاه جمعیتی عظیم و نفس فرو خورده، صف بدرقه کننده گان به کیلومترها می رسید.

جنازه ها را در قبرستان والدهایم دفن کردند. اما هدف هنوز سر جای اش بود: مبارزه برای هشت ساعت کار روزانه، برای شرایط انسانی تر، برای برقراری مناسبات انسانی تر میان انسان ها ادامه داشت، و هنوز هم ادامه دارد.

(منبع: کتاب مادر جونز- زنی از طبقه کارگر آمریکا- ترجمه: ع. پاشائی - محمد رسولی)

تماس با حزب حکمتیست

دبیرخانه حزب، شیوا امید

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

shahabi.soraya@gmail.com

کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

زنده باد انقلاب کارگری